

فروشگاه ، بزرگترین سایت تخصصی معماری

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری از صفر تا ۱۰۰ با زبان فارسی و با

کمترین هزینه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده نقشه ها ، پایان نامه و طرح های نهایی آماده معماری جهت کانسپت

گرفتن و یا تحویل پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده مقالات ، رسالات و مطالعات نهایی آماده معماری جهت تحویل

پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

بزرگترین سایت تخصصی معماری WWW.CADYAR.COM

جهت عضویت در کانال ما در تلگرام کافایت روی عکس زیر کلیک کنید.

برای انجام پروژه های عمران و معماری با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰



آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyar60>

آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyarmemar>

ایمیل

Vrya.cadyar@gmail.com

جهت مشاهده مطالب زیر به صورت رایگان کافایت روی لینک روبرو عنوان موردنظر کلیک کنید

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473)

دانلود رایگان کتب معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262)

آموزش رایگان پست پروداکشن در معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377)

دانلود رایگان مقالات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=206](http://www.cadyar.com/?CAT=206)

دانلود رایگان نقشه های معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1300](http://www.cadyar.com/?CAT=1300)

دانلود رایگان رساله و مطالعات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=283](http://www.cadyar.com/?CAT=283)

آموزش رایگان نرم افزار های معماری

جهت مشاهده مطالب کاربران مهمان که مطالب خود را به صورت رایگان و یا در قبال هزینه به اشتراک گذاشته اند در سایت کدیار [اینجا](#) کلیک کنید.

شما نیز میتوانید مطالب خود را در سایت کدیار به اشتراک بگذارید تا بدون هیچ هزینه ای صاحب شغل دوم شوید. جهت اشتراک گذاشتن مطالب خود [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با
قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

قسمتی از رساله طراحی دانشکده معماری در
صفحه ۱۱۹ در قالب ورد:

تعاریف اولیه

دانشگاه

به تمام مؤسسات آموزشی عالی اعم از آموزشی و پژوهشی، روزانه و شبانه، حضوری، راه دور، متمرکز و نیمه متمرکز که مدرک رسمی بالاتر از دیپلم صادر می نماید دانشگاه گفته می شود.

به طور کلی دانشگاه از عناصر پایدار و مستدام هر جامعه به شمار می آید که علیرغم کلیه اتفاقات سیاسی، اجتماعی و مذهبی دانشکده به عنوان یک عنصر مانا و پویا ایفاء نقش می نماید. هرچند ممکن است که در طی دوره های متفاوت، سیاستهای مدیریتی و اجرایی آن تغییر نماید، اما ساختار و هویت اصلی دانشگاه در ارتقاء سطح فکری و علمی بشر ماندگار می ماند.

دانشکده

دانشکده واحدی از یک دانشگاه است که در رده خاصی از علوم فعالیت دارد.

مرکز آموزش عالی (مؤسسه آموزش عالی)

سازمانی است که از بین دارندگان دیپلم متوسطه یا بالاتر دانشجو می‌پذیرد و به فارغ‌التحصیلان خود دیپلم کاردانی و یا بالاتر می‌دهد. این سازمان ممکن است تنها شامل یک مرکز آموزش عالی مستقل مانند آموزشکده فنی و یا دانشکده باشد که از نظر سازمان اداری و آموزشی مستقل می‌باشد و یا مجموعه‌ای از دانشکده‌ها که یک دانشگاه را تشکیل می‌دهند.

دانشجو

فردی است که در یکی از دانشگاه‌ها و یا مؤسسات و مجتمع‌های آموزش عالی و پژوهشی دولتی یا غیردولتی کشور که مدرک رسمی بالاتر از دیپلم متوسطه صادر می‌کنند، پذیرفته شده و طبق مقررات ثبت‌نام و بصورت حضوری و یا غیرحضوری به تحصیل اشتغال داشته باشند.

نظام گزینش دانشجو

نظامی که متولی آن سازمان سنجش کشور بوده و طبق آن افراد برای پذیرش و تحصیل در مؤسسات آموزش عالی، انتخاب می‌شوند.

۱- شناخت ماهیت معماری

در راه شناخت هنرمعماری و در بحث داوری هنر دو موضوع از همه مهمتر می‌نماید : ۱- وجه زیبایی شناسانه موضوع ۲- وجه ارتباطی موضوع.

حس زیبایی پدیده بسیار متغیری است که تظاهرات آن در طول تاریخ بسیار نامعین و گاه بسیار گیج کننده بوده است. محک محقق واقعی هنر آن است که حس زیبایی خود او هرچه باشد، حاضر باشد که تظاهرات اصیل این حس را نزد مردمان دیگر و در اعصار دیگر نیز به قلمرو هنر راه دهد.

حس زیبایی

انسان در برابر شکل و سطح و حجم اشیائی که حاضر بر حواس او باشند واکنش نشان می‌دهد و بعضی از آرایشها در تناسب شکل و سطح و حجم اشیاء منجر به پیدایش احساس لذت می‌شوند. در حالیکه نبودن آن آرایشها باعث بی‌اعتنایی یا حتی ناراحتی

و اشمئزاز است. حس تشخیص روابط لذت بخش همان حس زیبایی است و حس مقابل آن حس زشتی است. هگل در این مورد می گوید: چنین به نظر می رسد که حس زیبایی شناسی حسی نیست که طبیعت آن را به ما داده باشد و مانند یک گزینه کور بتوانیم در نهایت ذات، زیبایی را آنآ تشخیص بدهیم. این حس نیاز به آموزش دارد و حس زیبایی شناسی آموزش یافته را سلیقه می گوئیم. این سلیقه است که می گوید چه چیز زیباست و سلیقه نیز خود محصول یک آموزش است. آن چه از این بحث نتیجه می گیریم اینکه حس زیبایی را می توان آموزش و پرورش داد و هدایت و آموزش در رشد و تعالی آن نقشی شایان توجه ایفا می نماید و این بار مؤید این نظر است که یک هنرمند بایستی سعی اش معطوف به این باشد که اثرش دارای بیشترین ارزش زیباشناختی ممکن باشد.

مفهوم و اهمیت زیبایی

زیبایی مقوله ای است که تمام مکاتب علمی، فلسفی، هنری و دینی، به نحوی از آن سخن گفته اند، یکی از کهن ترین بیانها در مورد زیبایی آن را به همراه «حقیقت» و «خوبی» سه اصل جهانی و بنیادین می داند که جملگی انسانها به آنها تمایل دارند. در تعریف زیبایی شاید بتوان گفت که به تعداد مکاتب و حتی فراتر از آن به تعداد کسانی که در این زمینه سخن گفته اند، تعریف از زیبایی وجود دارد اما آن تعریف جسمانی محض (که زیبایی عبارتست از وحدت روابط صوری در مدرکات حسی ما) یگانه تعریف اساسی است و بر این اساس ما می توانیم نظریه ای در باب هنر بنا کنیم که دامنه شمول آن تا آنجا که چنین نظریه ای لازم دارد وسعت داشته باشد. اما مهم است که در آغاز بحث نسبت این اصطلاح زیبایی را مورد تأکید قرار دهیم.

وجوه زیبایی

«انسان آفریننده زیبایی است، اما زیبایی آفریده نتواند شد مگر در واکنشی که انسان آفریننده در مقابل کنش اجتماعی محیط

زندگی خود از خود بروز می دهد.» روزه باستید

در مورد تقسیمات زیبایی به طور عام چند موضوع قابل ذکر است. یکی اینکه زیبایی بصری و ظاهری از دوران باستان به دو مقوله طبیعی و مصنوع انسان تقسیم شده، به عبارت دیگر از آغاز دو نوع زیبایی وجود داشته و این دوگانگی تا امروز نیز همچنان

حفظ شده است. افلاطون از اولین کسانی بود که به این امر اشاره نمود (۴۲۷-۳۴۷ ق.م). او معتقد بود که زیبایی طبیعت نسبی است در حالی که زیبایی هندسی یا آنچه که به دست بشر ساخته می شود مطلق است.

موضوع دیگر تقسیم زیبایی از نظر مفهومی یا مصداقی و یا ارتباط آن با زمینه ها و موضوعات مختلف است. مفهوم زیبایی و موضوعات متعلق به آن در زبان ها و فرهنگ ها و جهان بینی های متفاوت مختلف است نکته قابل توجه اینکه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و به ویژه جهان بینی اسلامی امکان زیبا بودن هر موضوع، مفهوم و شیئی فراهم است و زیبایی حتی به موضوعات معنوی نیز اطلاق می شود.

بسیاری از فلاسفه نیز مسائل زیباشناسی را که با این فرضیه که «هدف هنر، آفرینش اشیاء زیباست» ساده کرده اند. آنچنان ساده که تعریف زیبایی با دشواریهای عمده ای قرین شده است، اما از همان ابتدای پذیرش این فرضیه روشن شده است که در جریان فعالیتهایی که ما آنها را فعالیتهای هنری می نامیم، امکان ایجاد کارهایی وجود داشته که در هیچ یک از مفاهیم عقلایی نمی توان زیباشان خواند. از اینرو امروزه در میان نظریه پردازان بیشتر به این باور گرایش وجود دارد که هنر وسیله است برای ریختن احساسات عمیق و ماجراهای نهفته ضمیر در قالب زیبایی ناب و مقبولتر اینست که گفته شود هنرمند ترجمان، فاش کننده و آفریننده بسیاری از پدیده ها و از جمله زیبایی است، اما زیبایی به تنهایی عمده منظور مجسم از چیزی که عرفاً به نام هنر می شناسیم نیست و به این ترتیب تئوری زیبایی یا زیبایی شناسی چیزی متفاوت با تئوری هنر است.

تفاوت هنر و علم

دکتر شریعتی علم را کوشش انسان برای آگاه شدن از آنچه هست می داند ولی هنر را کوشش انسان برای برخورداری شدن از آنچه باید باشد، اما نیست معرفی می کند.

یعقوب آژند نیز در مقدمه کتاب هنر اینچنین بیان کرده است، عالم به جهان عینی و پدیده ها علاقمند است و هنرمند به جهان ذهنی و تخیلات. بطور کلی، علوم به دنبال دستیابی به قوانین عام قابل توجه در همه زمینه ها است و هنرها (و ادبیات) در پی کشف واکنش افراد و ویژگیهای بی نظیر تجربه. هنرمند می خواهد لحظه گذشته را بیافریند و به حال تداوم بخشد. او تنها فاتح مبارزه

انسان با زمان است و اثر هنری تبلور یک لحظه و پلی بین تجربه فردی و جهانی می‌باشد. هنرمند، پل خود را در درون ابدیت جهان ملموس می‌زند تا ارزشهایی را بیان کند که جهانی است و در اینجاست که اثر هنری او نیز هرچه بیشتر پایا و جهانی می‌شود. یک تفاوت مهم دیگر آنکه هنرمند وسیله‌ای دارد تا نظر ثابت نشده خویش را در اجتماع زنده نگهدارد، در حالیکه دانشمند نمی‌تواند نظر ثابت نشده‌ای را چاپ بزند و بدست مردم بسپارد مگر اینکه آن را در قالب یک کار هنری عرضه کند که در آنصورت این دانشمند نیز در گروه هنرمندان به شمار خواهد رفت.

چند تعریف بر معماری

حقیقت این است که آنچه غالباً به عنوان تعریف معماری ارائه شده یا می‌شود نه تعریفی علمی و دقیق از معماری، که توصیفی مجازی یا واقعی از برخی ویژگی‌های آن است، که بر حسب منظری که از آن نگریسته شده مقصود خاصی را افاده می‌کند و یا جنبه‌ای از آن را مورد مذاقه قرار می‌دهد و برجسته می‌کند. در واقع هر یک از این تعاریف جنبه‌ای از معماری اعم از جنبه علمی، فنی، هنری یا احساسی را عمده کرده و به نوعی از جنبه‌های دیگر غفلت کرده‌اند.

در اینجا به منظور آشنایی بیشتر با تعاریف ارائه شده از معماری در دوره‌های مختلف به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- معماری هنر فضا است. (برونو زوی)

در این دیدگاه، معماری تنها به سلسله عملیاتی منطقی اطلاق نمی‌گردد و معماری که آشنا به هنر معماران گذشته و معاصر نبوده و هنرمند نباشد از جرگه معماران خارج شده و مهندس ساختمان به حساب می‌آید.

۲- معماری مادر هنر است. (اوائل سده ۱۵ در ایتالیا)

در این تعریف معماری به صورت ظرفی دیده می‌شود که می‌تواند هنرهای سلیقه‌ای یا رایج، بومی یا غیربومی را بر خود بپذیرد که در حقیقت نوعی تظاهر هنری حاصل می‌شود. در این نوع معماری معمولاً به سیاست‌های اقتصادی و روابط فرهنگی و

اجتماعی و حقوقی توجه دقیق به عمل نمی‌آید و موارد اساسی شناخته شده در تدوینی محدود با آراستگی‌های به ظاهر هنری در کلیات و جزئیات به دست هنرمندان انجام می‌گیرد.

۳- معماری، هنر سازماندهی فضا است و این از راه ساختمان بیان می‌شود. (اگوست پره)

۴- معماری، ایده‌ها و ارزشهایی را بوسیله سیستمی از علائم بصری بیان می‌کند. (تلخیص شده از کتاب نقد سلیقه اثر *Galvano della volpe*)

۵- معماری، دفتر ثبت تاریخ بشری است. (اونوره دوبالزاک)

این تعریف ارتباط فضای ساخته شده را با تمدن و فرهنگ‌های انسانی نشان می‌دهد و معماری را به عنوان یک هنر والا و جامع با اندیشه‌هایی پیوند می‌زند که خاص معمار بوده و به دور از خرده‌انگاریهای حرفه‌ای است.

۶- معماری به نوعی از سازندگی اطلاق می‌شود که مردم به وسیله آن به هویت خود پی می‌برند و به این هویت مفهوم می‌دهند. (از کتاب یک تئوری نوین در معماری اثر بروس آلشوپ)

و کلام آخر، «معماری هنر معنی دادن به فضا است.» و این تعریفی نسبتاً جامع، نافع و علمی است که علاوه بر ابعاد و مقاصد فیزیکی، تمامی ابعاد و جنبه‌های بیانی، فرهنگی، هنری، احساسی و بالاخره معنوی را در بر دارد.

۵-۱ وجوه مختلف معماری

اگرچه که جملگی علوم و فنون و هنرهایی که با تفکر و عمل انسان شکل گرفته‌اند واجد صورت و معنا و به عبارتی متضمن ظاهر و باطنی هستند که در هر رشته و موضوع با شدت و ضعف متفاوت و بسته به تفکر ناظر، خویش را می‌نمایانند، اما این معماری است که دووجهی بودن آن نزد اکثریت قریب به اتفاق محققین امری محرز و شناخته شده است که به انحاء مختلف به آن اشاره می‌شود. حداقل وجوه و مراتبی که برای معماری ذکر می‌شود وجه هنری و وجه فنی آن است. البته می‌توان به سایر وجوه آن مثل وجه هویتی، وجه نمادین، وجه معنوی، وجه ظاهری، وجه تاریخی، وجه فرهنگی، وجه فلسفی، وجه زیبایی‌شناسی

و حتی وجوه اقتصادی و سیاسی نیز اشاره نمود. ضمن آنکه حتی هر وجه و به ویژه وجه هنری آن نیز با توجه به جهان بینی و فرهنگ موجد آن می تواند خود مراتب و جلوه ها و مصادیق مختلفی را دارا باشد. چرا که هنر را وجوه و مراتب و تعاریفی است که در طیف وسیعی از هنر مادی و دنیوی صرف تا هنر عالی معنوی و روحانی قابل طبقه بندی است، هستند.

بدون دخول در جزئیات این وجوه و نحوه تأثیر آنها بر یکدیگر و همچنین اثراتشان بر اجتماع و فرهنگ و موضوعاتی از این قبیل، در اینجا تنها به ذکر این نکته بسنده می گردد که همین «چندوجهی بودن معماری تأثیری جدی بر نحوه آموزش آن می گذارد به نوعی که روش آموزش معماری و موضوعات مرتبط با این آموزش را از بسیاری روشها و موضوعاتی که در سایر رشته ها معمول و مرسوم است متمایز می گرداند.»

معماری از یک سو هنر است که با قدرت خلاقه انسان سروکار دارد، و همین موضوع هنر بودن آن با توجه به مراتبی که برای هنر مطرح است می تواند به عنوان موضوعی برای چندین تحقیق مستقل باشد. مضافاً اینکه آموزش هنر را شیوه ها و روشها و توصیه هایی است که در جوامع و مکاتب فکری مختلف کاملاً متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر هستند. از جانب دیگر معماری ارتباط تنگاتنگی با فن آوری مصالح و ساخت داشته و به عنوان مقوله فنی مطرح است. لذا بدون دخول در جزئیات با توجه به موضوع بحث توجه به این نکته توصیه می شود که چندوجهی بودن معماری باید به نحو مقتضی در شیوه آموزش، انتخاب دروس و متون آنها، انتخاب دانشجو و سایر امور مرتبط با آموزش به جد مورد عنایت قرار گیرد.

۲- نکاتی درباره آموزش

در لغت نامه آکسفورد در تعریف کلمه آموزش می خوانیم: «فرآیند پرورتن، آموختن، تربیت یا کارآموزی نظام پذیرفته ای است که در فرآیند آماده شدن برای عمل زندگی در اختیار اشخاص گذاشته می شود.»

آموزش فعالیتی اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می گیرد و نهادها و سازمانهای ویژه‌ای پدید می‌آورد.

«آموزش فرآیندی است که اجتماع طی آن می‌کوشد درهای حیات خود را به روی همه افراد تشکیل دهنده‌اش باز کند و می‌کوشد آنها را به پذیرفتن نقش خود قادر سازد.» اجتماع می‌کوشد فرهنگ خود و از جمله ضوابطی را که امیدوار است مردم متناسب با آن زندگی کنند، به افراد منتقل سازد و یک روند ارتباطی عرضه‌گرا می‌باشد.

اما تحول علمی به دو شکل صورت می‌پذیرد :

صورت اول عبارت است از علم متعارف، که در اینجا محققان درون سنتی معین فعالیت می‌کنند و چارچوب مفهومی فعالیت آنها را هم سنت تعیین می‌کند و در مورد هر علم این چارچوب سرمشق آن علم نامیده می‌شود و هر سرمشقی هم صورت مسائل را تعیین می‌کند و هم راه حل‌های نمونه را. گذشته از آن چگونگی نگرستن به جهان هم به آن بستگی دارد.

دومین شکل علم عبارت است از تحقیق فوق‌العاده. این نوع علم سنت‌شکن، مکمل علم متعارف مقید به سنت است، مکملی که به انقلابهای علمی منجر می‌شود و همین دو صورت در حوزه‌های هنری نیز مصداق دارد. تحقیق فوق‌العاده خصیصه‌های مشابهی با خلاقیت هنری دارد. با این تفاوت که کار خلاق جزء جدایی‌ناپذیر فعالیت هنری است. به عبارت دیگر دورانهای قوام یک انقلاب هنری کوتاهتر و تقریباً منحصر به هنرمند است. به مفهوم دیگر تفاوت هنر با علم در این است که هنر از آزادی بیشتری برخوردار است. هنرمند فقط با تخیل خود هدایت می‌شود، لذا کارهای هنری حقیقتاً ابداع محسوب می‌شوند در حالی که در علوم بیشتر خادم هستیم تا مخدوم.

در علم گرچه حقیقت هنوز بر ما ناشناخته است، ولی از قبل وجود دارد. در هنر، حقیقت خود ساخته هنرمند است، بی‌وجودی پیشین. برای آنکه از علم متعارف (دانش - معلومات - معرفت موجود) به تحقیق فوق‌العاده (ابداع - خلاقیت) برسیم، باید اندیشیدن را بیاموزیم.

هدف از آموزش

رسالت آموزش، آموختن آن معلومات تخصصی و مهارتهایی نیست که بعدها باید مستقیماً در زندگی بکار گرفته شود. افراد انسانی را نباید همچون ابزارهایی بی‌جان در نظر گرفت. آموزش باید این هدف را دنبال کند که جوانان را نه به صورت متخصص، بلکه به عنوان شخصیهایی متعادل و موزون به جامعه تحویل دهد. اهمیت آموزش بیش از هر چیز در عرضه قابلیت‌هایی است که تفکر و داوری مستقل را تضمین می‌کنند. نه در ارائه بعضی معلومات تخصصی. هرگاه شخصی بر مبانی اساسی موضوع مورد نظر خود تسلط یابد و در عین حال اندیشیدن و کار کردن مستقلانه را هم فرا گیرد، مطمئناً راه خود را خواهد یافت و افزون بر این اوست که خواهد توانست خود را با پیشرفتهای و تحولات تطبیق دهد، نه شخصی که آموخته‌هایش بطور عمده چیزی نیست جز معلومات درباره جزئیات تخصصی.

ویلیام گادوین، منظور حقیقی آموزش را پدید آوردن خوشبختی معرفی کرده است. دکتر س.م. جود در کتاب «درباره آموزش» سه هدف برای آموزش فهرست می‌کند.

۱- قادر ساختن فرد به تأمین زندگیش.

۲- آماده ساختن او برای ایفاء نقشی که به عنوان شهروند یک جامعه مردم سالار بر عهده دارد.

۳- قادر ساختن او به تکامل بخشیدن همه نیروها و استعدادهای ذاتی‌اش تا از زندگی خوبی بهره‌مند شود.

بصورت کلی به نظر می‌رسد هدف آموزش، انتقال فرهنگ است.

تأثیر آموزش بر فرهنگ

...

**جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات
معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.**

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰